

بجز بود بحق و بجهت نزد و تنها و ملتها بگردد و ملت شریفی وی  
اند میان خلق عاقل و تاثر این قرآن مانده بود و بقرآن عظیمی او را  
گشتن و باها و باهاج کشتن و بر آنها انجمن کرد که یاد کردیم **قرآن**  
و سطحی بقرآن کبری بود و بجهت اندر وقت استقامت این قرآن  
حاکمان را بیدار کرد و بگرداند و ملتها و ملتها و انتقال کند دولت  
و مملکت از خاندان بخاندان و مانده بود حال این قرآن بر حال  
قرآن کبری **قرآن** نیز قرآن صغیر مانده بود و نیمه قرآن و سطحی قرآن  
قرآن صغیر فرمودند و دولت از خاندان بخاندان و از اضعاف  
بود دولت کند و لیکن هزار جلیله بر روی آینه بر ملکای و پادشاهان  
بزرگ افتد میسایرین نم کرد اندر لشکر با سیر بود اگر بر  
قرآن اندر و در طلوع سایل بود از لوت و زبایل او تا بود این  
حال زودتر بیدار شود مشهور تر باشد که عالم و قوی تر و اگر بر  
قرآن از او تا در طلوع سال س قط باشد این حال با در برتر بیدار  
آید و مشهور نگردد این عالم که بیدار آید بر ناق بود و صحن  
خدا بیدار بیدار این مردان و این دولتها است و ملتها که بیدار  
آید بگردد بنگ بر جقران و بدان ستاره که مستویا بود بر جقران  
**اگر بر جقران** زحل بود با شرف یا او ح و یا منقلب زحل مستقیم  
بود و اگر بر جقران قمر بود از مکرر و ستاره که بیدار بود و همه  
ستاره که از قدر بوی دهند دلیل کند بر بر روی آمدن حاکمی  
جبار و مکرر و جبار بود هر هر بر سر برد و این بد نزدیک بود  
بند و کس بگو بخوابد و بخت بود و حصارها و بنها بسیار کند

و بجایهای

و بجایهای دشوار و بسیار باها و کوه باها بسیار را بنزد و مردم که از رخ  
بسیار نماید و لشکر و مردم که وی بیشتر همسنگان و ناگنم  
باشند و بصورت سنگم نموند و اگر صافها بوشند و رشت بوشند  
و اگر این بجز باشد آن بجز شریف و شلار بود و اندران  
شرفیت و اگر هم بسیار بود و این شرفیت را مردم بدست دشوار از نیریزند  
و او را بخت رود از اعیال خود باز دارند و این قوت که با دیده  
اگر بیشتر را بود بر برج قرآن مستویا مشرف باشد آن بجز  
بر روی آید باها بسیار بود و شرفیت وی اگر هم نزدیک بود و مردم  
مطبوع اندران شرفیت آید و بیاد بسیار بود اندران شرفیت  
و مردم که اندران حاکمیت با حاکمیت و امانت باشند و اگر مملکت باشد که  
بر روی آید گویند که آن ملک با هم بر بود و با زید و انصاف باشد  
و ریختن و مقرران و انزاف بیدار آید و **اگر بر جقران** بر جقران  
و یا مستویا باشد و یا مستویا قوت دهد و بسیار را رود اندر بیدار  
آمدن آن شرفیت با دولت و اگر این قوت کند آن آفتاب بود  
سیاست و رسم خلق ملوک و امین نو و زیت و تربیت بگو  
بسیار باشد و مردم که آن دولت و ملت بزبان و مشهور زید  
و ندها مایل باشند **و اگر ماه** بود مردم که بسفید مشهور باشند و هیچ  
ضمیر را حقیقت بخیزند و با ضار و خشا حال مشهور شوند و ملتها  
اندر سیاه ایشان بسیار بود و باها ایشان بنظام نبود  
سیرشان غایت نبود و بجهت ساید امتحان طلبت که از  
بالیکه بگر از مقابل و تبرج و نقلت و تسدیس و هر ستاره که قوی تر

Copyrighted by University